

Schema of Conceptual Metaphors of Altruism in the Holy Quran

Roghaye Ghetmiri Qasr al-Dashti*
Hasan Kharaghani**
Shaban Nosrati***
Ali Khayyat****

Abstract

Introduction: Metaphor theory is proposed in cognitive science. From the viewpoint of contemporary cognitive linguistics, conceptual metaphor is basically "understanding and experiencing" something in terms and phrases of something else. In conceptual metaphor, by establishing mappings between the two areas of origin and destination, an abstract or lesser-known thing is always understood based on a concrete or better-known thing. One of God's methods of conveying meaning in the Holy Qur'an is using similes, similes, and metaphors. With the help of conceptual metaphor theory, we obtain a new analysis of the metaphorical language of the Quran and its connection with the Islamic worldview, according to which the conceptual metaphors of the Quran are an inevitable part of Islamic thought. These metaphors, like the traditional view, should not be considered mere literary crafts, but intellectual crafts that transform a person's thought to give him a frame of mind in which he should look at the whole being, nature, man, and revelation. Charity is one of the Qur'anic topics expressed in the form of sensible to tangible metaphors. According to the place of charity in the Qur'an, the current research, using an analytical descriptive method, seeks to answer the

* PhD student of Quranic and Hadith Sciences at Razavi Islamic University.

E-mail: ghetmiri@iran.ir

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi Islamic Sciences University (corresponding author).

E-mail: h.kharaghani@gmail.com

*** faculty member of the Research Center for the Kalam of the Ahl al-Bayt, Research Institute of Quran and Hadith, Assistant Professor.

**** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Razavi Islamic Sciences University.

Received date: 2023.03.13

Accepted date: 2023.05.07

following question: What are the conceptual metaphors of giving in the Holy Quran?

Findings: a. In the conceptual metaphor of verse 261 of Surah Al-Baqarah, the destination field; The truth of the act of spending in the way of God and hypocrisy in the cause of God over the origin field; A seed that is planted and gives 7 clusters, and each cluster contains 100 seeds or more, was written, and based on that, from the perspective of the Qur'an, giving in the way of God, trading with God and investing is safe, profitable, and wise, and it leads to the spiritual growth of man.

b. In the conceptual metaphor of verse 264 of Surah Al-Baqarah, the destination field; The truth of the act of charity with blessing and torture is like hypocritical charity without faith in God and the Day of Judgment and hypocritical hypocrisy over the origin field; Planting seeds in the soil sitting on a smooth stone that has been washed away due to heavy rain, soil and seeds and nothing but hard stone remains, was written, and based on that, from the perspective of the Qur'an, hypocritical giving: An unreasonable act with a reverse effect is associated with loss and damage, and investing in an economic bubble is an obstacle to the spiritual growth of man.

c. In the conceptual metaphor of verse 265 of Surah Al-Baqarah, the destination field; The truth of the actions of those who spend only for the pleasure of God and to reach a position of stability, and stability means sincere hypocrites, over the origin field; The high and fruitful garden that produces crops in any condition, was written and it was determined that from the perspective of the Holy Quran, sincere giving; It lays the groundwork for the individual and the community to benefit from the fruits of charity and causes spiritual growth and stabilization of self, peace, and mental security.

d. In the conceptual metaphor of verse 266 of Surah Al-Baqarah, the destination field; Destruction and suppression of the fruits of charity with curses, torture, and hypocrisy over the origin field; A garden full of crops with palm and grape trees and flowing streams, and an old and infirm owner with young and weak children, which a strong pressure like burning winds, will tear it apart and set it on fire, was written and it was achieved that almsgiving with begging, torture, and hypocrisy causes a lot of regret and deprives the heart of a hypocrite from spiritual growth in the light of almsgiving.

Key words: Holy Quran, Charity, Conceptual Metaphor, Mapping.



طرح‌واره استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن کریم

رقیه قطمیری قصرالدشتی*

حسن خرقانی**

شعبان نصرتی***

علی خیاط****

چکیده

طرح‌واره استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن بر آن است با استفاده از استعاره‌های مفهومی زبان‌شناسی شناختی دیدگاه قرآن را در موضوع انفاق کشف کند. از روش‌های خداوند در قرآن جهت رساندن مقصود، استفاده از زبان تمثیل و استعاره است. بر اساس نظریه زبان‌شناسی معاصر، در استعاره مفهومی همواره یک امر انتزاعی یا کمترشناخته شده، بر اساس یک امر انضمامی یا شناخته‌شده‌تر فهمیده می‌شود. از جمله موضوعات قرآنی که در قالب استعاره معقول به محسوس بیان شده، انفاق است. با توجه به جایگاه انفاق در قرآن، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن چه طرح‌واره‌ای دارد؟ با تأمل در آیات مربوطه، نتایج حاصل از انطباق حوزه‌های مقصد بر مبدأ عبارت‌اند از: انفاق در راه خدا؛ تجارت با خدا و سرمایه‌گذاری پرسود و عاقلانه و سبب رشد معنوی انسان؛ انفاق ریایی؛ عملی نامعقول، همراه خسران و سرمایه‌گذاری در حباب اقتصادی و مانع رشد معنوی؛ انفاق خالصانه؛ زمینه‌ساز بهره‌مندی دائمی فرد و اجتماع از ثمرات

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی. ghetmiri@iran.ir

** دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد (نویسنده مسئول).

h.kharaghani@gmail.com

*** استادیار پژوهشکده کلام اهل بیت پژوهشگاه قرآن و حدیث. nosrati546@yahoo.com

**** استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.

khayat313@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

انفاق و سبب رشد معنوی و امنیت روحی؛ انفاق با منت و اذیت و ریایی موجب حبط عمل و حسرت فراوان و محرومیت قلب ریاکار از رشد معنوی.
واژگان کلیدی: قرآن کریم، انفاق، استعاره مفهومی، نگاشت، استعاره‌های مفهومی انفاق.

۱۴۰

دین

دوره بیست‌و‌چهارم، شماره ۹۴، تابستان ۱۴۰۲ / رقیه قطمیری قصرالدشتی، حسن خرقانی...

مقدمه

یکی از روش‌های خداوند در قرآن کریم جهت رساندن مقصود و منظور خود، استفاده از زبان تمثیل و تشبیه و استعاره است. به طور کلی استفاده از تمثیل و استعاره در سیره عقلایی معمول و مرسوم است و به تقریب منظور متکلم و فهم مخاطب کمک می‌کند. قرآن کریم نیز بارها از این روش در موضوعات مختلف استفاده نموده است.

۱۴۱

ذهن

طرح‌واره استعاره‌های مفهومی انشاق در قرآن کریم

نظریه استعاره مفهومی از جمله نظریاتی است که در علوم شناختی مطرح شده است. از منظر دیدگاه زبان‌شناسی شناختی معاصر، استعاره مفهومی در اصل «فهم و تجربه» چیزی در اصطلاحات و عبارات چیز دیگر است (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۲، ص ۵). در دیدگاه سنتی، استعاره ابزاری برای تخیل شاعرانه و آرایش بلاغی است و موضوع زبان غیرعادی است نه زبان عادی و روزمره و فقط مشخصه واژه‌هاست نه اندیشه یا رفتار. به همین دلیل بیشتر مردم می‌پندارند بدون استعاره می‌توانند به طور کامل روزگار بگذرانند. درمقابل اندیشه استعاره مفهومی بر این عقیده است که استعاره در زندگی روزمره ما نه تنها در زبان بلکه در اندیشه و عمل نفوذ دارد. ماهیت نظام مفهومی عادی ما که اندیشه و عمل‌مان مبتنی بر آن است، از بنیاد استعاری است. بر اساس شواهد زبانی ماهیت بخش عمده‌ای از نظام مفهومی روزمره ما استعاری است و استعاره‌ها نحوه ادراک و اندیشه و آنچه را انجام می‌دهیم، ساختار می‌بخشند (ر.ک: لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۹).

به کمک نظریه استعاره مفهومی تحلیل جدیدی از زبان استعاری قرآن و ارتباط آن با جهان‌بینی اسلامی به دست می‌آوریم که بنا به آن، استعاره‌های مفهومی قرآن بخش اجتناب‌ناپذیر تفکر اسلامی‌اند. این استعاره‌ها را نباید صرفاً صنایع ادبی دانست، بلکه آنها صنایع فکری‌اند که اندیشه آدمی را دگرگون کرده و به او چارچوب فکری می‌دهند که

به کل هستی، طبیعت، انسان و وحی در قالب آن بنگرد (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۹). از جمله موضوعات قرآنی که در قالب استعاره بیان شده است، انفاق است. ریشه «نفق» در قرآن ۱۱۱ بار به کار رفته است که البته در ۶۴ مورد آن معنای انفاق منظور بوده است که در قالب‌های مختلف اسمی، فعلی و مصدری و در زمان‌های ماضی و مضارع و صیغه‌های مجرد و مزید آمده است. در این میان تنها در پنج آیه می‌توان استعاره مفهومی یافت که چهار آیه آن در سیاق آیات انتهایی سوره بقره و یک آیه دیگر در سوره آل عمران واقع شده است. قرآن مجید در سوره بقره در ضمن آیه‌های ۲۶۱-۲۶۶ چهار تمثیل مطرح کرده که هر یک برای خود پیام خاصی دارد.

در تشبیه نخست، انفاق انسان را به بذری تشبیه می‌کند که به هفتصد دانه تبدیل می‌گردد.

در تشبیه دوم انفاق ریاکاران و کسانی را که پس از انفاق منت می‌گذارند یا آزار می‌رسانند، به بذری تشبیه می‌کند که بر قطعه سنگی که روی آن خاک نازکی باشد افشانده شود، سپس باران درشت بیارد و خاک و بذر را بشوید.

در تشبیه سوم، انفاق افراد با اخلاص را به باغی تشبیه می‌کند که در نقطه بلندی قرار گیرد و باران درشت به آن برسد و میوه خود را دوچندان دهد.

در تشبیه چهارم بار دیگر انفاق ریاکاران و گروه منت‌گذار و آزاررسان پس از انفاق را به باغی تشبیه می‌کند که از هر میوه‌ای در آن وجود داشته، اما ناگاه باد سوزاننده‌ای به آن برخورد کند و بسوزد. این تشبیهات چهارگانه که همگی بر محور انفاق دور می‌زند، جنبه تربیتی دارد و علاوه بر دعوت به انفاق، راه و رسم آن را می‌آموزد و در صورت عدم تمکن از انفاق، شیوه برخورد با فقیر را تذکر می‌دهد و بر اخلاص در عمل و نیت و دوری از ریا و منت و آزار تأکید می‌ورزد.

پیشینه: در مورد نظریه زبان‌شناختی استعاره‌های مفهومی تألیفات متعددی انجام شده است؛ از آن جمله به کتاب استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم نوشته جورج لیکاف و مارک جانسون (۲۰۰۳م)، استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن دکتر علی‌رضا قائمی‌نیا (۱۳۹۶) و معناشناسی شناختی در کاریست متون وحیانی تألیف دکتر شعبان نصرتی و دکتر محمد رکعی (۱۳۹۹) می‌توان اشاره نمود. همچنین مقالات متعددی در باب استعاره‌های مفهومی قرآن و تطبیق نگاشت‌های آن نوشته شده است؛ از جمله «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن» بهجت‌السادات حجازی (۱۳۹۵)، «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم» سیده مطهره حسینی و علی‌رضا قائمی‌نیا (۱۳۹۶) و «ساختار و نتایج استعاره مفهومی بهشت در قرآن کریم» سیدابوالقاسم حسینی زرفا (۱۴۰۰). کتاب‌هایی نیز همچون مثل‌های آموزنده قرآن در تبیین پنجاه‌وهفت مثل قرآنی اثر آیت‌الله جعفر سبحانی (۱۳۸۲) به بررسی تشبیهات قرآنی پرداخته است. موضوع انفاق همواره ذیل آیات مربوطه در تفاسیر از گذشته تا کنون بررسی گردیده است. تفاسیر موضوعی نیز همچون جلد هفتم تفسیر امام موسی صدر (۱۴۰۰) به بررسی موضوع انفاق در قرآن پرداخته است؛ همچنین کتب و مقالات بسیاری از جمله انفاق در قرآن کریم ابوالفتح عزیز ابرقویی (۱۳۹۲) و انفاق علی صفائی حائری (۱۴۰۰) نگارش شده است. اما در این آثار استعاره‌های انفاق از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی معاصر و نظریه استعاره مفهومی بررسی نشده است. البته در میان مقالات جدید که از منظر نظریه استعاره مفهومی به تشبیهات قرآنی پرداخته‌اند، مقاله «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره» نوشته حمید صباحی گراغانی (۱۳۹۵)، به بررسی استعاره انفاق به صورت کلی پرداخته است؛ اما در این میان اثری که به صورت ویژه به بررسی استعاره‌های انفاق از منظر دیدگاه زبان‌شناسی شناختی معاصر پرداخته باشد، یافت نگردید.

بنابراین پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی که استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن کریم چه طرح‌واره‌ای دارد؟ بر این اساس طرح‌واره استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن کریم با تکیه بر آیات مرتبط، بررسی می‌گردد تا فهم دقیق‌تری از مسئله انفاق از منظر قرآن کریم به دست آید. استعاره به کاررفته‌شده در مورد انفاق در قرآن کریم، از سنخ تشبیه معقول به محسوس است؛ خواه آن محسوس در خارج موجود باشد یا نه. محور آیات آن نیست که مزرعه‌ای یا بوستانی با خصوصیتی که در آیه بیان شده، در خارج هست؛ بنابراین نیازی نیست تحقق آن را در خارج جست‌وجو کنیم.

الف) مفاهیم

جهت تبیین موضوع لازم است ابتدا مفاهیم استعاره و نگاشت و انفاق بررسی گردد:

۱. استعاره مفهومی

از دیدگاه کلاسیک، استعاره موضوعی زینتی و مربوط به بخش غیرعادی زبان است که در آن یک یا چند کلمه خارج از معنای معمول خود و برای بیان معنایی مشابه به کار می‌رود (هاوکس، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵). استعاره به طور سنتی پدیده‌ای صرفاً زبانی قلمداد شده است نه ابزاری که در درجه نخست به نظام مفهومی و انواع فعالیت‌های روزانه ما ساختار می‌بخشد (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴، ص ۲۲۶)؛ در حالی که در دیدگاه معاصر، زبان‌شناسی شناختی معتقد است استعاره اساساً پدیده‌ای شناختی است - نه صرفاً زبانی - و آنچه در زبان ظاهر می‌شود، تنها نمود آن پدیده شناختی محسوب می‌شود (گلفام، ۱۳۸۱، ص ۶۱). بر اساس نظریه زبان‌شناختی و فلسفی لیکاف و جانسون «اساس استعاره، درک و تجربه چیزی بر اساس مفهوم چیزی دیگر است» (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۲، ص ۵). در نظریه معاصر، کاربردهای استعاره، محدود به حوزه مطالعات ادبی و کاربرد

واژه، عبارت یا جمله نیست. استعاره همچون ابزاری مفید، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و درحقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره رفتاری طبق آن برنامه‌ریزی می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). در استعاره‌های مفهومی همواره یک امر انتزاعی یا کمترشناخته‌شده بر اساس یک امر انضمامی یا شناخته‌شده‌تر فهمیده می‌شود. روشن است که جهت‌گذاری استعاری در اینجا قابل تعویض نیست؛ یعنی نمی‌توان امر ملموس را به مدد امر انتزاعی فهمید. این اصل در زبان‌شناسی شناختی، اصل یک‌سوئی نگاشت‌های استعاری نامیده می‌شود که طبق آن جهت فهم در استعاره معکوس نمی‌شود، حوزه مبدأ، همواره امری ملموس و حوزه مقصد امری انتزاعی است (هوشنگی و سیفی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵). درحقیقت آنچه در استعاره مفهومی روی می‌دهد «نگاشت» دو حوزه است. توضیح آنکه اگر عناصر حوزه مفهومی را یک مجموعه و عناصر حوزه مفهومی دیگر را مجموعه‌ای دیگر بدانیم، نگاشت‌هایی میان این دو مجموعه روی می‌دهد؛ یعنی عناصری از حوزه مبدأ بر حوزه مقصد نگاشته می‌شوند (هوشنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۳-۱۴).

۲. نگاشت

نگاشت مهم‌ترین رکن در ساختار استعاره است. در نظریه معاصر، نگاشت شامل برخی مفاهیم است که از حوزه مبدأ به حوزه مقصد منتقل می‌شود. چنان‌که بیان شد، استعاره مفهومی در اصل «فهم و تجربه» چیزی در اصطلاحات و عبارات چیز دیگر است. لیکاف و جانسون اساس این رابطه را که به شکل تناظرهایی میان دو مجموعه صورت می‌گیرد، «نگاشت» می‌نامند (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۳م، ص ۱۹۰-۱۹۵). آنها مجموعه‌ای را که دارای مفهومی عینی تر و متعارف‌تر است، قلمرو مبدأ یا منبع و مجموعه دیگر را که دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی‌تر است، قلمرو مقصد یا هدف می‌خوانند. بدین ترتیب

لیکاف در اصل استعاره را «نگاشت میان قلمروهای متناظر در نظام مفهومی» تعریف می‌کند و از این رو هر نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی - و نه یک گزاره صرف - می‌داند. به عبارت دیگر بر خلاف آنچه نظریه کلاسیک مطرح می‌کند، این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره را می‌سازند و اساس آن بر روابط مفهومی دو حوزه مبدأ و مقصد استوار است. از این منظر کار کلمات و عبارات، برانگیختن ذهن ما به برقراری ارتباطی است که در خلال آن، موضوعات، ویژگی‌ها و روابط میان دو حوزه منتقل می‌شود (لیکاف، ۱۹۹۳م، ص ۱۸۶)؛ به عنوان نمونه در استعاره «انفاق در راه خدا کاشت دانه‌ای است که حداقل هفتصد دانه نتیجه می‌دهد: قلمرو کاشت دانه بر قلمرو انفاق در راه خدا نگاشت می‌شود که اولی به قلمرو تجربه و دومی به قلمرو نامحسوس تعلق دارد. در این نگاشت جنبه‌های متعددی از قلمرو تجربی کاشت دانه به قلمرو نامحسوس نتایج انفاق انتقال می‌یابند؛ مانند انفاق در راه خدا معامله و تجارت با خدا، سرمایه‌گذاری مطمئن و پرسود و سپرده‌گذاری عاقلانه است.

۳. انفاق

الف) معنای لغوی: «نفق» در لغت به معنای گذشتن هر چیز و از بین رفتن آن با تمام شدن آن چیز است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۰۲). این واژه از ریشه «ن - ف - ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۲ / فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲۲۷ / ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۴).

ب) معنای اصطلاحی: انفاق در اصطلاح بیرون کردن مال از ملک و قراردادن آن در ملک دیگری است که از طریق صدقه یا از طریق بخشش مال در راه جهاد، دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است، می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۲).

ج) مفهوم قرآنی: در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، انفاق اصطلاحاً به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راه‌های مورد نیاز گفته می‌شود (سجادی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۲۳). انفاق با «اعطا» از آن جهت متفاوت است که در انفاق همواره مالکیت شیء انفاق‌شده منتقل می‌شود؛ ولی در اعطا لزوماً چنین نیست (العسکری، [بی‌تا]، ص ۸۳۸۲)، از این رو اسناد انفاق را به خداوند مجازی و آن را در آیه «يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (مانده: ۶۴) به معنای رساندن رزق به بندگان دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۰۵).

افزون بر واژه «نفق» و مشتقات آن، قرآن با واژگان و تعابیری دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده است؛ مانند صدقه یا صدقات (بقره: ۲۶۳-۲۶۴ و ۲۷۱/ توبه: ۷۱)، زکات با مشتقات آن (مانده: ۵۵)، اعطا (لیل: ۵)، ایتا (بقره: ۱۷۷/ نور: ۲۲)، جهاد کردن با مال (توبه: ۴۱)، قرض‌الحسنه‌دادن به خداوند (بقره: ۲۴۵/ حدید: ۱۱ و ۱۸)، اطعام (بلد: ۱۴/ انسان: ۸)، رزق (نساء: ۸) همچنین آیات مربوط به پاره‌ای تکالیف مالی مانند پرداختن زکات (بقره: ۴۳ و ۸۳) یا کفاره (مانده: ۸۹ و ۹۰) را می‌توان از مصادیق انفاق - به معنای عام آن دانست.

ب) تبیین طرح‌واره استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن کریم

آیه اول

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد [و شایستگی داشته باشد] دو یا چند

برابر می‌کند و خدا [از نظر قدرت و رحمت] وسیع و داناست» (بقره: ۲۶۱).

حبه، دانه خوراکی، مانند گندم و جو و مشتق از حب به معنای دوستی و میل شدید است. دانه خوراکی را حب نامیده‌اند؛ زیرا محبوب کشاورز و نتیجه عمل و نهایت میل و توجه اوست (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۶۲). حرف «تاء» در حبه برای وحدت است. «انبات» یعنی رویانیدن و «نبت» بیرون آمدن چیزی از جایی با رشد و نمو است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۲۰). مفرد سنابل «سنبله» به معنای خوشه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۶).

۱. بررسی تناسب آیه در سیاق

در این آیه کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند، به دانه پربرکتی که در زمین مستعدی افشاندن شود، تشبیه شده‌اند؛ در حالی که قاعدتاً باید عمل آنها تشبیه به این دانه شود نه خود اینها؛ لذا نظرات مختلفی در مورد وجوه تشبیه و طرفین آن از سوی مفسران مطرح گردیده است:

الف) بسیاری از مفسران گفته‌اند در آیه محذوفی وجود دارد، مانند کلمه «صدقات» قبل از «الذین» یا کلمه «بأذن» قبل از «حبه» و مانند آن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ق ۶۴۶ / زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۰). یا جمله «كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ» در واقع «كَمَثَلِ مَنْ زَرَعَ حَبَّةَ أَنْبَتَتْ سِنَابِلًا» است؛ چون درست نیست گفته شود: «مثل کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل حبه و دانه است»، بلکه باید گفت: «مثل کسی است که دانه‌ای را بکارد و آن دانه هفت سنبل بدهد...»؛ زیرا حبه نام‌برده مثل آن مالی است که در راه خدا انفاق شده، نه مثل اشخاصی که انفاق کرده‌اند و این روشن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۹۱). طبق این نظر انفاق به حبه و انفاق‌کنندگان به کسی که دانه را بکارد، تشبیه شده است.

ب) نظر دوم را علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بیان نموده‌اند. ایشان بیان مفسران را در رابطه با طرفین تشبیه حرف درستی دانسته‌اند؛ اما معتقدند اگر کمی در آیات مشابه آن دقت شود، معلوم می‌شود که حاجتی به این تقدیر نیست؛ چون می‌بینیم بیشتر آیاتی که در قرآن مثلی را ذکر می‌کند، همین وضع را دارد و این صناعت و این طرز سخن گفتن در قرآن کریم شایع است و این خود یکی از موارد لطیف ایجاز به قلب است که قرآن آن را به کار برده است، اما ایجاز است؛ چون تنها ماده تمثیل* را که حبه باشد آورده است و اما قلب یعنی وارونه‌گویی است، برای اینکه باید انفاق را به حبه مثل می‌زد؛ ولی انفاق‌گر را به حبه مثل زده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۹۱). بنابراین طبق نظر ایشان هم در این آیه انفاق به دانه و انفاق‌کننده به کسی که دانه را می‌کارد، تشبیه شده است.

ج) نظر سوم بیانی است که آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه ارائه نموده‌اند. ایشان هیچ‌گونه دلیلی بر حذف و تقدیر در آیه نمی‌بینند و معتقدند تشبیه افراد انفاق‌کننده به دانه‌های پربرکت تشبیه جالب و عمیقی است گویا قرآن می‌خواهد بگوید: عمل هر انسانی پرتوی از وجود اوست و هر قدر عمل گسترش یابد، وجود انسان درحقیقت توسعه یافته است. به تعبیر دیگر قرآن عمل انسان را از وجود او جدا نمی‌داند و هر دو را اشکال مختلفی از یک حقیقت می‌شمرد. بنابراین هیچ‌گونه حذف و تقدیری در آیه نیست و اشاره به این است که انسان‌های نیکوکار در پرتو نیکی‌هایشان نمو و رشد معنوی پیدا می‌کنند و این افراد همچون بذره‌های پرثمری هستند که به هر طرف ریشه و

* و آن معنایی که ما از مثل می‌خواهیم به ذهن شنونده منتقل کنیم، گاهی تمامی قصه‌ای که به عنوان مثل می‌آوریم مورد نظر نیست؛ بلکه گوشه‌ای از آن منظور است که اصطلاحاً به آن ماده تمثیل گفته می‌شود که در این صورت همان مقدار را ذکر می‌کنیم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۹۲).

شاخه می‌گستراند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۱۴). بنابراین طبق این نظر در اینجا «مشبه» انسان انفاق‌کننده است و «مشبه‌به» بذره‌های پربرکت و وجه تشبیه نمو و رشد آن است.

د) از منظر دیگر آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم این تشبیه را از صنف تشبیه جریان به جریان دانسته‌اند؛ یعنی داستان انفاق‌کنندگان در راه خدا به قضیه دانه‌ای که هفتصد برابر یا بیشتر شود، تشبیه شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۱۶) که نتیجه این بیان را می‌توان کلام علامه در المیزان دانست.

با دقت در نظرات مختلف، چه حذف و تقدیر، چه ایجاز قلب، چه جدانداستن عمل از انسان و چه نگاه جریانی داشتن به تشبیه، درمی‌یابیم که به هر حال مشبه در این تشبیه حقیقت عمل انفاق منفق و مشبه‌به دانه‌ای است که هفتصد برابر یا بیشتر شود. بنابراین حوزه مبدأ و مقصد در این استعاره مفهومی به صورت زیر می‌باشد:

۲. استعاره مفهومی: انفاق در راه خدا؛ سپرده‌گذاری عاقلانه

حوزه مبدأ: دانه‌ای که کاشته می‌شود و هفت خوشه می‌دهد و در هر خوشه صد دانه و بیشتر است.

۲-۱. حوزه مقصد: حقیقت عمل انفاق در راه خدا و منفق فی سبیل الله

بر این اساس نگاهت‌های ذیل در طرح‌واره استعاره مفهومی این آیه به دست می‌آید:
الف) انفاق در راه خدا معامله و تجارت با خدا: کاشت دانه در زمین توسط کشاورز نوعی سپرده‌گذاری مدت‌دار است. در واقع کشاورز دانه‌ای را به زمین می‌دهد و پس از مدتی چند صد برابر آن را دریافت می‌کند. انفاق نیز نوعی تجارت و معامله با خداست که شخص انفاق‌کننده، مالی را در حساب خدا سرمایه‌گذاری نموده است و پس از مدتی، چه در دنیا و چه در آخرت، سود بسیار مالش را از جانب خدای متعال دریافت می‌دارد. این مفهوم در آیات قرآن که انفاق را بیع و تجارت دانسته‌اند، تأیید

می‌شود. در سوره فاطر انفاق را تجارتي که هرگز زیان ندارد، عنوان نموده است: «وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (فاطر: ۲۹) و در چندین آیه انفاق را همنشین بیع آورده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمَ لَا بَيْعٌ فِيهِ» (بقره: ۲۵۴).

ب) انفاق در راه خدا سرمایه‌گذاری مطمئن و پرسود: در این آیه انفاق کردن در راه خدا را به کاشت دانه‌ای که ثمره آن هفتصد برابر یا بیشتر است، تشبیه نموده است. همان طور که کشاورز با کاشت دانه‌ای در زمین مساعد محصولی چند صد برابر آن برداشت می‌کند، انفاق‌کنندگان نیز باید منتظر پاداش چند صد برابری انفاق خود، چه در این دنیا و چه در آخرت، باشند و شکی نیست؛ چراکه وعده خداوند صادق است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران: ۹).

تبدیل یک دانه به هفتصد دانه و بلکه بیشتر بسیار پرسود است. انسان همیشه به دنبال سرمایه‌گذاری پرسود و مطمئن است و چه تجارتي بالاتر از اینکه سرمایه اولیه به هفتصد برابر و بیشتر تبدیل گردد. کار در راه خدا سرمایه‌گذاری در جهت مناسب و سودآور است. همان طور که دانه در زمین خوب و شرایط مساعد هفتصد برابر و بیشتر می‌شود، کار در راه خدا سبب ریشه‌دوانیدن عمل و نتیجه پرسود و پربرکت است؛ چنان‌که در آیات دیگر خداوند بر بازگشت کامل آثار و سود انفاق و عدم ظلم و کوتاهی در برگشت نتیجه آن تأکید می‌کند: «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۲) و در جای دیگر جایگزینی مطمئن انفاق را با تأکید بر رازقیت خداوند، ضمانت می‌فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹) و در نهایت انفاق را تجارتي پرسود که هرگز زیان و خسارت ندارد، عنوان می‌نماید: «تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (فاطر: ۲۹).

ج) انفاق عمل عاقلانه و سپرده گذاری حسابگرانه: در ظاهر کشاورز با کاشت دانه، آن را از دست داده و عمل غیرعقلانی به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به نتیجه آن، کاملاً عاقلانه و حسابگرانه و منطقی است. دانه گندم را می‌توان خورد و مصرف کرد به جای آنکه بکارند؛ اما با خوردن تمام شده و با کشت در جای مناسب می‌توان آن را به هفتصد برابر و بیشتر تبدیل نمود. برخی افراد انفاق را غرامت و خسارت می‌پندارند؛ همان طور که خداوند در مورد اعتقاد اعراب درباره انفاق می‌فرماید: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا» (توبه: ۹۸)؛ در حالی که در سوره انفال می‌فرماید: «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰). بنابراین انفاق نه تنها غرامت نیست، بلکه سپرده گذاری عاقلانه است؛ چراکه «وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ» (بقره: ۲۶۱). پس هر آنچه از اموالمان را که برای خود مصرف کرده‌ایم تمام و نابود شده و تنها آنچه در راه خدا انفاق کرده‌ایم باقی و افزوده شده است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل: ۹۶).

د) سود و برکت انفاق در ابعاد و جهات مختلف: در این آیه انفاق را به دانه گندم تشبیه نموده است. گندم به عنوان برکت و قوت اصلی زندگی انسان‌ها در عرف و شرع شناخته می‌شود. بنابراین می‌توان انفاق را سبب حیات و تداوم زندگی، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی زندگی انسان‌ها، دانست. در تشبیه دانه گندم به هفت خوشه که هر خوشه صد دانه و بیشتر میوه می‌دهد، می‌توان گفت برکت و سود انفاق در جهات مختلف به انفاق‌کننده برمی‌گردد. این ابعاد می‌تواند از جهات فردی و خانوادگی و اجتماعی باشد یا به لحاظ مالی و عرضی و امنیتی؛ چراکه انفاق علاوه بر برکات مادی و معنوی که برای شخص انفاق‌کننده دارد، با کم کردن فاصله طبقاتی در جامعه، سبب امنیت اجتماعی و به تبع آن، بهره‌وری بیشتر و رونق اقتصادی می‌گردد. چنان که در

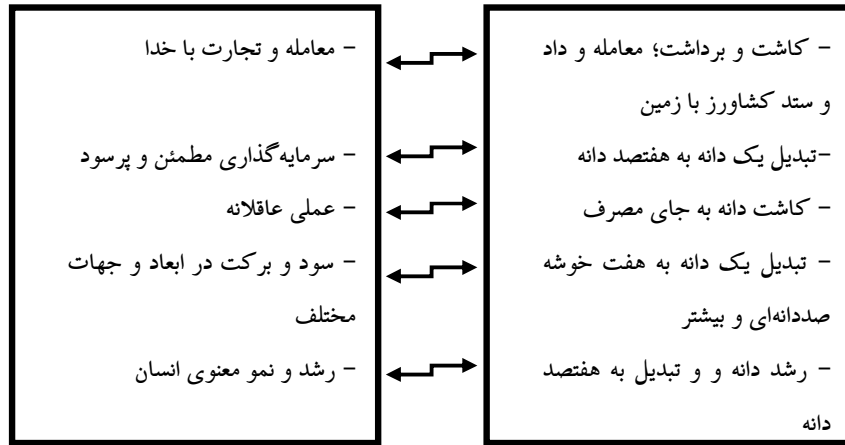
سوره انفال، انفاق را عامل تألیف قلوب می‌داند: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۳).

درحقیقت انفاق‌کننده علاوه بر پاداش اخروی و برکت در مالی که از جانب خداوند به واسطه انفاق نصیبش می‌گردد، به لحاظ فردی از احترام در بین مردم و جایگاه اجتماعی برخوردار است و از لحاظ روحی علاوه بر آرامش روحی ایجادشده بر اثر نوع دوستی، به دلیل کم‌شدن فاصله طبقاتی که باعث دشمنی بین دو طبقه فقیر و غنی می‌شود، از امنیت اجتماعی نیز برخوردار می‌گردد.

ه) رشد و نمو معنوی انسان در پرتو انفاق در راه خدا: از آنجا که طبق ظاهر آیه، هیچ‌گونه حذف و تقدیری در آیه نیست و درحقیقت در این آیه افراد انفاق‌کننده به دانه‌های پربرکت تشبیه شده‌اند و گویا قرآن عمل هر انسانی را پرتوی از وجود او می‌داند که هر قدر عمل گسترش یابد، وجود انسان در حقیقت توسعه یافته است، بنابراین می‌توان گفت انسان در پرتو انفاق در راه خدا نمو و رشد معنوی پیدا می‌کنند و این افراد همچون بذره‌های پرثمری هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۱۴). قرآن اثر انفاق را برای نفس انسانی و مایه رستگاری دانسته و می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (تغابن: ۶۳). در آیات بسیاری در ذکر خصوصیات انسان‌های صالح و مردان الهی انفاق را در کنار خصوصیات مهمی همچون صبر و نماز و استغفار در اسحار و ... قرار داده و درحقیقت انفاق را وسیله‌ای جهت رشد معنوی انسان می‌داند: «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران: ۱۷)، «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (فرقان: ۳۵)، «تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (احزاب: ۱۶). شاید این نگاهت بهترین تعبیر از استعاره مفهومی این آیه باشد.

کاشت دانه در زمین انفاق در راه خدا



شکل شماره ۱: طرح‌واره استعاره مفهومی آیه ۲۶۱

آیه دوم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای نشان‌دادن به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان نمی‌آورد، [کار او] همچون قطعه سنگی است که بر آن [قشر نازکی از] خاک باشد [و بذرهایی در آن افشانده شود] و رگبار باران به آن برسد [و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید] و آن را صاف [و خالی از خاک و بذر] رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند» (بقره: ۲۶۴).

در این آیه مراد از «صفوان» سنگ صافی است که هیچ سوراخی ندارد تا خاک را در خود نگه دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۷) و «وابل» بر وزن فاعل از «وبال» و به معنای چیزی است که شدت و سنگینی از آن صادر می‌شود و از مصادیق آن، باران تند و درشت قطره (رگبار) است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۱۶-۱۷) و واژه «صلدا» از «صلد»، سختی و صلابت ویژه‌ای است که نمو و افزایشی در آن نیست و چیزی را نمی‌رویاند؛ مانند سنگ سختی که چیزی بر آن نمی‌روید و مانند سر تاس و بی‌مو (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۳۱۲).

۱. بررسی تناسب آیه در سیاق

پس از آنکه خداوند در آیه ۲۶۱ با بیان اجر و برکات فراوان انفاق، همگان را تشویق به انفاق می‌نماید، در آیات بعدی گوشزد می‌فرماید که آن اجر بی‌شمار، از آن انفاق کنندگانی است که در پی عمل خویش منت نگذارند و نیازمندان را نرنجاندند (بقره: ۲۶۲) و در ادامه انسان‌ها را نصیحت می‌کند که به جای انفاق مالی منت‌دار یا آزاردهنده، انفاق معنوی با قول معروف و مغفرت داشته باشند که بسیار پسندیده است (بقره: ۲۶۲). درحقیقت هر دانه‌ای در هر زمینی هفت خوشه که در هر خوشه صد دانه باشد، نمی‌رویاند، بلکه باید دانه، سالم و زمین، مستعد و زمان، مناسب و حفاظت، کامل باشد؛ همچنین انفاق مال حلال با قصد قربت، بدون منت و با شیوه نیکو، آن همه آثار خواهد داشت.

اکنون در این آیه با لحنی تند، مؤمنان را تهدید می‌کند که مبادا صدقه‌هایشان را با «من» و «اذی» باطل کنند، وگرنه همچون انفاق ریاکار، انفاقشان نابود و بی‌ثمر می‌گردد؛ سپس مثل عمل ریاکار را مانند سنگ صاف و سختی می‌داند که روی آن خاکی باشد که بذری درون خود دارد و رگباری به آن برسد و همه خاک‌ها و بذرها را

بپراکند و آن سنگ را صاف و تهی از خاک و سخت باقی گذارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۲۶۲-۲۶۵).

در تبیین طرفین تشبیه در این آیه نیز همان نظراتی که در آیه ۲۶۱ ارائه گردید، مطرح است که جهت اختصار تکرار نمی‌شود؛ بنابراین در این آیه نیز عمل انفاق با منت و اذیت همچون انفاق ریایی بدون ایمان به خدا و روز قیامت، به کاشت دانه بر خاک نشسته بر سنگ صاف تشبیه شده است که بر اثر باران شدید، خاک و دانه شسته شده و جز سنگ سخت باقی نمی‌ماند. بنابراین حوزه مبدأ و مقصد در این استعاره مفهومی به صورت زیر می‌باشد:

۲. استعاره مفهومی: انفاق با منت و اذیت و ریا؛ سرمایه‌گذاری در حباب اقتصادی حوزه مبدأ: کاشت دانه بر خاک نشسته بر سنگ صاف که بر اثر باران شدید، خاک و دانه شسته شده و جز سنگ سخت باقی نمی‌ماند.

حوزه مقصد: حقیقت عمل انفاق با منت و اذیت همچون انفاق ریایی بدون ایمان به خدا و روز قیامت (انفاق‌کننده ریاکار).

بر این اساس نگاشت‌های ذیل در طرح‌واره استعاره مفهومی این آیه به دست می‌آید:

۱- انفاق با منت و اذیت همچون انفاق ریایی بدون ایمان به خدا و روز قیامت؛ در ظاهر عملی همانند انفاق فی سبیل الله، ولی در نتیجه و اثر متفاوت و معکوس کاشت دانه توسط فرد چه در خاک حاصلخیز و مستعد و چه در غبار نشسته بر سنگ سخت عملی یکسان است؛ اما زمین حاصل‌خیز به لحاظ داشتن شرایط لازم محصولی چند صد برابر می‌دهد و سنگ سخت نه تنها محصولی در پی نخواهد داشت، بلکه بذر اولیه نیز از بین رفته است. عمل انفاق نیز اگر برای خداوند و خالصانه باشد، اجر و برکت و پاداش چند صد

برابر خواهد داشت و اگر با منت و اذیت و ریایی باشد، نابود و بی‌نتیجه می‌گردد. درحقیقت شاید در هر دو صورت انفاق حسن فعلی دیده شود؛ اما به دلیل فقدان حسن فاعلی در انفاق ریایی نتیجه و اثری در پی نخواهد داشت. قرآن کریم به لزوم همراهی حسن فاعلی با حسن فعلی جهت نتیجه‌بخش بودن عمل اشاره دارد و در مورد انفاق منافقان می‌فرماید: «قُلْ أَنْفَقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه: ۵۳).

۲- **انفاق ریایی خسران و ضرر و از بین رفتن سرمایه اولیه؛ همان طور که کاشت دانه بر غبار نشسته بر سنگ صاف و سخت نه‌تنها محصولی در بر ندارد و حتی همان دانه انفاق‌شده نیز باقی نمی‌ماند، انفاق ریایی نیز نه‌تنها سود و نتیجه‌ای ندارد، بلکه اصل مال نیز از بین رفته است.** جمله «لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا» مستأنف و نشان حبط و بی‌اثر شدن عمل انفاق منان و موذی نظیر ریاکار است. به دلالت نکره (شیء) در سیاق نفی که نشان عموم است، انفاق‌کننده ریاکار از عملش هیچ گونه بهره‌ای نمی‌برد؛ زیرا منت و اذیت و ریا، صدقه را باطل می‌کند و چیزی به دست انفاق‌کننده نمی‌آید؛ مانند باران تندی که اندک خاک موجود بر سنگ صاف را به اطراف پاشیده، آن را می‌شوید؛ به گونه‌ای که به آن ذرات نمی‌توان دست یافت.

۳- **انفاق ریایی و بدون اعتقاد به خدا و روز قیامت، سرمایه‌گذاری در حباب اقتصادی؛ همان طور که کاشت دانه بر غبار نشسته بر سنگ صاف و سخت، در ظاهر کاشتن دانه در خاک به نظر می‌آید، در انفاق ریایی نیز به دلیل نداشتن پشتوانه اعتقادی صحیح و خدایی، نتیجه و اثر ندارد و نه تنها ریشه نکرده و محصول نمی‌دهد، بلکه همان سرمایه اولیه نیز نابود شده است.** در روزی که

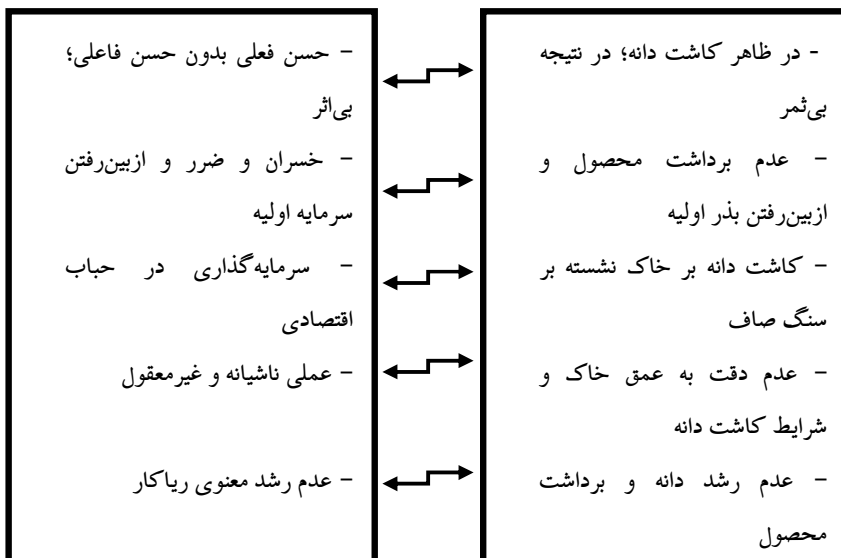
پرده‌ها کنار رود جایگاه بی‌ثمر بودن عمل تهی از نیت خالص بر همگان روشن و مایه حسرت می‌گردد: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ» (انفال: ۳۶)؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ درباره نتیجه عمل ریاکار می‌فرماید: «إذا كان يوم القيامة نادى مناد يسمع اهل الجمع: اين الذين كانوا يعبدون الناس؟ قوموا، خذوا اجرکم ممن عملتم له، فانی لا اقبل عملاً خالطه شیء من الدنيا و أهلها: در روز قیامت منادی ندا می‌دهد کجایند کسانی که مردم را عبادت می‌کردند؟ برخیزید و اجر اعمالتان را از همان کس که برایش انجام دادید بگیرید، چراکه من خدا عملی را که چیزی از دنیا و اهلش در آن وارد شده باشد، قبول نمی‌کنم» (فتاوی نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۴).

۴- **انفاق ریایی عملی ناشیانه و غیر عاقلانه؛ کشاورز عاقل و با تجربه و تدبیر قطعاً** قبل از کاشت دانه و تحمل رنج زحمت در آبیاری و نگهداری بذر کاشته شده، از شرایط و استعداد زمین جهت کاشت اطمینان خاطر حاصل می‌کند و بذرش را در زمین مستعد و حاصل‌خیز می‌کارد؛ اما کشاورز بی‌تجربه و ناشی ممکن است در هر زمینی دانه بکارد و پس از طی زحمات بسیار، دست خالی و خسران‌دیده خواهد بود: «لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا». انسان‌های عاقل می‌دانند که هر عملی از جمله انفاق در صورتی که برای خدا باشد، مضاعف خواهد شد: «وَاللَّهُ يضاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) و در غیر این صورت نابود و فانی می‌گردد.

۵- **عدم رشد معنوی ریاکار در پرتو عمل انفاق؛** قلب انسان صدقه‌دهنده منت‌گذار و آزردهنده مانند قلب ریاکار، زمینه مساعدی برای نگهداری اعمال خیر بر

روی آن نیست و همان گونه که سنگ صاف و بدون سوراخ و شکاف، ذره‌ای خاک را بر روی خود جای نمی‌دهد و باران تند و شدید، گرد و خاکهای برجامانده بر روی آن را می‌شوید، ریا نیز برکات انفاق را از قلب ریاکار می‌برد: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا». همچنان که از درون سنگ سخت، امید رویش گل و گیاه نیست، از درون قلب انفاق کننده منت گذار و مؤذی مانند ریاکار نیز خیرات قلبی تراوش نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۶۹-۳۷۰) و رشد معنوی برای انسان ریاکار در پرتو انفاق وجود ندارد. این نگاشت را می‌توان بهترین مفهوم استعاری از این آیه دانست که کاملاً منطبق بر ظاهر آیه و بدون حذف و تقدیر می‌باشد.

کاشت دانه در خاک نشسته بر سنگ صاف و سخت انفاق با منت و اذیت و ریا



شکل شماره ۲ : طرح‌واره استعاره مفهومی آیه ۲۶۴

آیه سوم

«وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُورَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و حکایت آنان که اموال خود را به طلب رضای خدا و استواری دادن به دل‌های خویش انفاق می‌کنند، عملشان مانند باغی است بر بالای تپه‌ای که رگباری به آن رسد و دو برابر ثمر داده باشد و اگر رگبار نرسیده به جایش باران ملایمی رسیده، خدا به آنچه می‌کنید، بیناست» (بقره: ۲۶۵).

«ابتغاء» یعنی طلب شدید و انجام دادن عمل از روی میل و رغبت (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۴). «ربوه» از «ربا» است که به معنای مرتفع شدن است (مصطفی، ۱۹۸۹م، ص ۳۲۶). ربوه به فتح و ضم حرف «ر» جای بلند و مرتفع (تپه) است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۴). «أکل» همان مأکول و خوراکی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰). «طل» ضعیف‌ترین بارانی است که اثری اندک دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۲) و شب‌نمی است که روز غیر بارانی فرود می‌آید (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۳۶) و می‌توان آن را رطوبت هوا دانست (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲).

۱. بررسی تناسب آیه در سیاق

در آیه ۲۶۱ بیان پاداش و اثر انفاق، از حیث حسن فعلی آن است. هرچند ممکن است بهره فاعل از آن روشن گردد، در این آیه برای فاعل حسن و منفق مخلص مثل ذکر شده است.

در آیه گذشته حقیقت عمل کسانی که با ریا و منت و اذیت انفاق می‌کنند، به سنگ سختی تشبیه شد که خاکی روی آن باشد و با رگبار باران ذره‌ای بر آن نمی‌ماند تا امید محصولی از آن رود. این تشبیه برای آن است که چنین انفاقی هیچ ثمری ندارد. در این آیه، حقیقت عمل کسانی که فقط برای رضای خدا و رسیدن به مقام ثبات و استواری

انفاق می‌کنند، به بوستانی مرتفع و پرثمر تشبیه شده است.

در این آیه نیز همچون آیات گذشته برای مشخص شدن طرفین تشبیه نظرات مختلفی وجود دارد. برخی گفته‌اند در این آیه انفاق و صدقه به بوستان تشبیه شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۳)؛ اما برخی این را خلاف ظاهر و مستلزم تقدیر مضاف دانسته‌اند و معتقدند تشبیه آیه برای فاعل منفق ذکر شده است و به اثر انفاق خالص بر نفس منفق مخلص اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۸۲) که در صورتی که عمل انفاق خالصانه را همچون باغی بر بلندی در نظر بگیریم، مشبه انفاق خالصانه می‌باشد و اگر طبق نظر بزرگانی همچون آیت‌الله مکارم و آیت‌الله جوادی آملی عمل را جدای از عامل ندانیم، بلکه پرتوی از وجود او لحاظ کنیم و اتحاد عمل و عامل را مفروض بدانیم، بدون نیاز به تقدیر و اضافه، طبق ظاهر آیه، مشبه خود انسان منفق مخلص می‌باشد نه انفاق او. بنابراین حوزه مبدأ و مقصد، صورت‌های زیر می‌باشد:

۲. استعاره مفهومی: انفاق خالصانه؛ سرمایه‌گذاری مطمئن با سود دائمی

حوزه مبدأ: بوستان مرتفع و پرثمر که در هر شرایطی محصول می‌دهد.

حوزه مقصد: حقیقت عمل کسانی که فقط برای رضای خدا و رسیدن به مقام ثبات و استواری انفاق می‌کنند (منفق مخلص).

بر این اساس نگاهت‌های زیر را می‌توان در طرح‌واره استعاره مفهومی این آیه به دست آورد:

الف) اخلاص زمینه‌ساز بهرمندی دائمی از ثمرات انفاق

بوستان در مکان مرتفع از مزایایی برخوردار است؛ مانند دارا بودن خاک عمیق و بسیار، بهرمندی از نور دائمی و آب باران که از آب چشمه بهتر است. همچنین درامان بودن از تخریب سیلاب‌ها و داشتن چشم‌انداز زیبا و طراوت و شادایی همیشگی. چنین بوستانی از همه مزایای رویش و ثمربخشی بهره می‌برد و از باران تند و درشت به

سبب استعداد فراوانش بهره بیشتر می‌برد و ثمره دوچندان می‌دهد. اگر باران تند و درشت هم بر آن نیارد، رطوبت و حرارت هوا و شبنم و نم باران برای به بارنشستن آن بس است: «كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ». منفق مخلص نیز به میزان اخلاص و عملش از اجر و اثر و ثمر انفاق بهره می‌برد و البته در هر حال مأجور و بهره‌مند است؛ همان طور که خداوند آن را تجارتي با سود همیشگی معرفی نموده است: «وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (سوره فاطر، آیه ۲۹) و در آیه دیگر انفاق خالصانه را چه کم و چه زیاد مأجور می‌داند: «وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۲۱).

ب) رشد معنوی و تثبیت نفس در پرتو انفاق خالصانه

همان گونه که بوستان مرتفع همواره از فیوضات آب و هوایی بهره‌مند می‌گردد، قلب خالص همچون بوستان مرتفع نیز آماده بهره‌مندی و پذیرش هر گونه فیضی از سوی خداوند است و در پرتو فیوضات دائمی الهی از رشد معنوی برخوردار می‌گردد و به واسطه تثبیت نفس از حبط عمل با منت و اذیت و ریا در امان است؛ چنان که قرآن کریم انفاق در جهت قرب الهی را مایه قرب معنوی و رشد روحانی دانسته و می‌فرماید: «وَاتَّخِذْ مَا يَنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيَدْخِلُهمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۹) و در آیه دیگر اهمیت و جایگاه انفاق در رشد معنوی را تا حدی می‌داند که بدون آن هرگز دست‌یافتی نیست: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲).

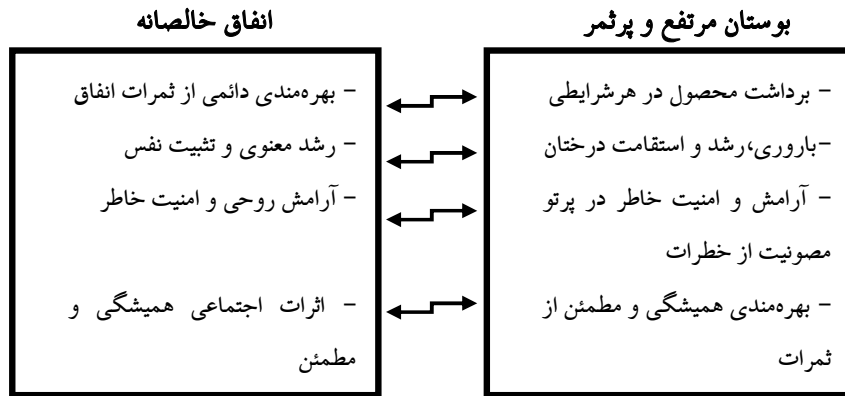
ج) انفاق خالصانه؛ آرامش روحی و امنیت خاطر

بوستان مرتفع که همواره محصول و ثمر می‌دهد و از گزند بلایایی همچون سیل و

خشکسالی در امان است، سبب آرامش و امنیت خاطر زندگی است. انفاق خالصانه نیز به لحاظ اثرات دائمی و برکات دوچندان سبب آرامش روحی می‌گردد، بر خلاف انفاق ریاکارانه؛ چراکه در انفاق خالصانه هدف رضای الهی و دیده‌شدن از سوی اوست و خداوند حی و حاضر و سمیع و بصیر همواره بر اعمال انسان ناظر است: «والله بما تعملون بصیر» و در آیه‌ای دیگر همین مفهوم تأیید شده است: «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۷۳) و در آیه‌ای دیگر انفاق خالصانه را سبب رفع دائمی حزن و اندوه می‌داند: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنْنًا وَلَا أذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۶۲). اما در انفاق ریایی که هدف مردم و دیده‌شدن از سوی آنان است، منفق ریاکار همواره پریشان و نگران است که آیا به اندازه هزینه‌اش دیده شده است و نتیجه می‌گیرد و به همین دلیل انفاق را غرامت می‌بیند: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا» (توبه: ۹۸).

د) اثرات اجتماعی منفق مخلص، همیشگی و مطمئن

جریان «وابل» و «طل» درباره مردان الهی که برای جذب رضای الهی و تحصیل طمأنینه نفس انفاق می‌کنند، صادق است؛ یعنی هر کس به آنان برای رفع نیاز مراجعه کند، هرگز دست رد به سینه مستمند نمی‌زند؛ اگر تمام خواسته‌های او را تأمین نکنند (وابل)، حتماً بخشی از نیازهای وی را برآورده می‌کنند (طل) (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۸۸). درحقیقت اخلاص سبب می‌شود درخت وجودی انسان در زمین ثابت و استوار نفس، ریشه دواند و شاخه‌هایش سر به آسمان کشد و همه موجودات از میوه‌های آن بهره‌مند شوند: «مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا» (ابراهیم: ۲۴-۲۵).



شکل شماره ۳: طرح‌واره استعاره مفهومی آیه ۲۶۵

آیه چهارم

«أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفًا فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ: آيا در ميان شما كسى هست كه دوست داشته باشد براى او باغى باشد پر از درختان خرما و انگور و همه گونه ميوه در آن باشد و نهرها در دامنه آن جارى باشد، سپس پيرى برسد، در حالى كه فرزندانى صغير دارد، آتشى به باغش بيفتد و آن را بسوزاند؟ خدا اين طور آيه‌هاى خود را براى شما بيان مى‌كند، شايد كه بينديشيد» (بقره: ۲۶۶).

اعصار از «عصر» فشردن چیزی برای به‌دست‌آوردن نتیجه دلخواه است؛ مانند فشردن انگور برای به‌دست‌آوردن آب آن. «اعصار» مطلق فشردن است با هر فشارنده از قبیل گرما، باد و سیل. مراد از اعصار در آیه، فشار شدیدی است که باغ باطراوت و سرسبز را بخشکاند و به آتش بکشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، صص ۱۴۶ و ۱۴۹).

۱. بررسی تناسب آیه در سیاق

این آیه تتمه آیات پیشین و بیان تمثیلی دیگر برای انفاق ریایی یا انفاق با منت و اذیت

است که سبب بطلان انفاق و نابود شدن ثمرات آن می‌شود.

در این آیه کسانی که با منت‌گذاری و آزردن دیگران یا ریا انفاق خود را باطل می‌کنند، به پیرمرد ناتوان و عائله‌مندی تشبیه شده‌اند که همه دارایی وی نابود گردد و قدرت بازگرداندن آن را نداشته باشد.

در این آیه ابتدا انفاق به باغ پر از محصول تشبیه شده و سپس منت و اذیت و ریا به باد خانمان‌سوزی تشبیه گردیده که سبب نابودی و حبیط عمل می‌گردد. این تشبیه نه تنها در قیامت بلکه در دنیا نیز قابل تصور است، مانند داستان صاحبان باغ در سوره کهف. پس این استعاره صرف تشبیه معقول به محسوس نیست، بلکه اهل منت و آزار و ریا در دنیا نیز ممکن است به چنین روز سیاهی گرفتار شوند. این مفهوم با تمثیل سوره آل عمران در مورد انفاق با اهداف دنیایی تبیین می‌گردد که در آن، اهداف دنیایی انفاق همچون ریا، مانند بادی سرد بر کشتزار، سبب نابودی عمل و دست‌رنج می‌گردد: «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۱۷).

بنابراین حوزه مبدأ و مقصد در این استعاره به صورت زیر می‌باشد:

۲. استعاره مفهومی: اثر منت و اذیت و ریا پس از انفاق؛ حبیط و حسرت در اوج نیاز حوزه مبدأ؛ باغی پر از محصول با درختانی از خرما و انگور و نهرهای جاری و صاحبی پیرمرد و ناتوان با فرزندان خردسال و ضعیف که فشار شدیدی همچون بادهای سوزان، آن را بخشکاند و به آتش بکشد.

حوزه مقصد: نابودی و حبیط ثمرات انفاق با منت و اذیت و ریا.

نگاشت‌های زیر را می‌توان در طرح‌واره استعاره مفهومی این آیه به دست آورد:

الف) منت، اذیت و ریا؛ خانمان‌سوز و موجب حبیط عمل

از آنجا که اعمال ما اثرات وضعی دارند نه قراردادی و اعتباری، هر عملی اثر

مخصوص به خود را دارد و در این آیه همان طور که فشار شدیدی همچون گردباد سوزان سبب خشکاندن و سوزاندن باغی هرچند سرسبز و پرطراوات و پرثمر می‌گردد، منت و اذیت و ریا به صورت وضعی آثاری را که انفاق در دل و جان آدمی گذاشته، می‌سوزاند و قلبی را که بر اثر عملی خدایسندانه همچون انفاق زنده و پرثمر گردیده، خشک و بی‌ثمر می‌کند و گویا آن قلب مرده است. درحقیقت چنین انفاقی باطل گشته و آثاری برای آن متصور نیست؛ آن‌چنان‌که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۲۶۴).

(ب) منت، اذیت و ریا؛ موجب حسرت و نومیدی فراوان

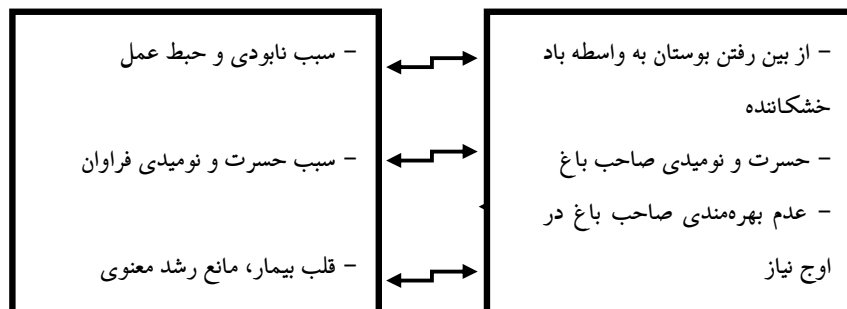
در این تشبیه ابتدا باغ را به بهترین صورت شناسانده، «جَنَّةٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» و سپس شرایط صاحب باغ را در سخت‌ترین وضعیت ترسیم نموده است: «وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ: پیرمردی ناتوانی که فرزندان خردسال ضعیف دارد». چرا فرمود پیرمرد؛ چون اگر جوان بود قدرت جبران داشت و فرزندان خردسال ضعیف فرموده؛ چراکه اگر فرزندان جوان و برومند داشت، غصه‌ای برای معیشت و آینده آنان نداشت، بلکه امید به بازسازی آن باغ توسط فرزندان را نیز داشت. تمام این شرایط ترسیم شده است تا شدت ضرر و خسران و وضعیت اسفناک آن که موجب حسرت و نومیدی فراوان است، درک گردد. این همان عاقبت کسی است که انفاق پرثمر خود را که قرار است در روز نیامندی او در دنیا و آخرت به داد او برسد، با منت و اذیت و ریا به یک‌باره نابود کرده است و روزی که پرده‌ها کنار رود و حقیقت اعمال روشن شود، همان روز حسرت واقعی است: «يَوْمَ الْحَسْرَةِ» (مریم: ۳۹)؛ همان طور که در آیه‌ای دیگر انفاق عده‌ای را موجب حسرت آنان

می‌شمارد: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ» (انفال: ۳۶).

ج) قلب بیمار مانع رشد معنوی و محروم از ثمرات انفاق

از آنجا که ثمرات انفاق قبل از آثار اجتماعی آن بر درون فرد اثر خواهد گذاشت و بوستان وجود او را زنده و پرثمر می‌کند، برای بهره‌مندی از ثمرات انفاق باید قلب آماده کشت و پاشیدن بذر عمل صالح باشد و کسانی که در دل دچار بیماری‌های اخلاقی از قبیل «مال دوستی»، «جاه دوستی»، «تکبر»، «عجب»، «خودپسندی»، «بخل شدید» و ... هستند، محروم از بهره‌مندی از دستاوردهای اعمال خویش می‌گردند؛ چراکه این بیماری‌ها نمی‌گذارند آدمی مالک نفس خود باشد و مجالی برای تفکر و سنجش عمل خویش و تشخیص عمل نافع و مضر را بدهد و اگر مجال می‌داد و آدمی تفکر می‌کرد، هرگز مرتکب چنین اشتباه و خبطی نمی‌شد: «كَذَلِكَ بَيِّنَ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ». انفاق چنین کسانی از منظر قرآن پذیرفته‌شدنی نیست: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه: ۵۳).

نابودی بوستان پرثمر در اوج نیازمندی انفاق با منت و اذیت و ریا



شکل شماره ۴: طرح‌واره استعاره مفهومی آیه ۲۶۶

نتیجه

در این مقاله استعاره‌های مفهومی آیات انفاق در سوره بقره بر اساس نظریه معاصر استعاره در زبان‌شناسی شناختی بررسی گردید. در استعاره مفهومی با برقراری نگاهت‌هایی بین دو حوزه مبدأ و مقصد همواره یک امر انتزاعی یا کمترشناخته شده، بر اساس یک امر انضمامی یا شناخته‌شده‌تر فهمیده می‌شود. در این نوشتار استعاره مفهومی در چهار تمثیل قرآنی در مورد انفاق بررسی و نتایج زیر به دست آمد:

الف) در استعاره مفهومی آیه ۲۶۱ سوره بقره، حوزه مقصد، حقیقت عمل انفاق در راه خدا و منفق فی سبیل الله بر حوزه مبدأ، دانه‌ای که کاشته می‌شود و هفت خوشه می‌دهد و در هر خوشه صد دانه و بیشتر است، نگاشته شد و بر اساس آن از منظر قرآن، انفاق در راه خدا تجارت با خدا و سرمایه‌گذاری مطمئن و پرسود و عاقلانه است و سبب رشد معنوی انسان می‌شود.

ب) در استعاره مفهومی آیه ۲۶۴ سوره بقره، حوزه مقصد حقیقت عمل انفاق با منت و اذیت همچون انفاق ریایی بدون ایمان به خدا و روز قیامت و منفق ریاکار بر حوزه مبدأ کاشت دانه در خاک نشسته بر سنگ صاف که بر اثر باران شدید، خاک و دانه شسته شده و جز سنگ سخت باقی نمی‌ماند، نگاشته شد و بر اساس آن از منظر قرآن، انفاق ریایی عملی نامعقول با اثری معکوس، همراه خسران و ضرر می‌باشد و سرمایه‌گذاری در حباب اقتصادی است و مانع رشد معنوی انسان می‌باشد.

ج) در استعاره مفهومی آیه ۲۶۵ سوره بقره حوزه مقصد، حقیقت عمل کسانی که فقط برای رضای خدا و رسیدن به مقام ثبات و استواری انفاق می‌کنند؛ یعنی منفق مخلص بر حوزه مبدأ بوستان مرتفع و پرثمر که در هر شرایطی محصول می‌دهد، نگاشته شد و مشخص گردید که از منظر قرآن کریم، انفاق خالصانه زمینه‌ساز بهره‌مندی دائمی

فرد و اجتماع از ثمرات انفاق و سبب رشد معنوی و تثبیت نفس و آرامش و امنیت روحی می‌شود.

(د) در استعاره مفهومی آیه ۲۶۶ سوره بقره، حوزه مقصد، نابودی و حبیط ثمرات انفاق با منت و اذیت و ریا بر حوزه مبدأ، باغی پر از محصول با درختانی از خرما و انگور و نهرهای جاری و ساحبی پیرمرد و ناتوان با فرزندان خردسال و ضعیف که فشار شدیدی همچون بادهای سوزان، آن را بخشکاند و به آتش بکشد، نگاشته شد و چنین حاصل گردید که انفاق با منت و اذیت و ریایی، موجب حبیط عمل و حسرت فراوان و محرومیت قلب ریاکار از رشد معنوی در پرتو انفاق می‌باشد.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم (۱۳۹۲). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: عابدزاده.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. ج ۴، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
 ۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. هشت جلدی، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. ده جلدی، ج ۳، بیروت: دار صادر.
 ۴. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، (۱۴۱۰ق). *معنی اللیب*. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره).
 ۵. استاینبرگ، دنی (۱۳۸۱). *درآمدی بر روان شناسی زبان*. ترجمه ارسلان گلفام، ج ۱، تهران: سمت.
 ۶. العسکری، ابوهلال (بی تا). *الفروق النویه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۷. المناوی، زین الدین (۱۴۱۰ق). *التوفیق علی مهمات التعریف*. قاهره: عالم الکتب.
 ۸. پورابراهیم، شیرین (۱۳۸۸). *بررسی زبان شناختی استعاره در قرآن: رویکرد نظریه معاصر*. پایان نامه دکتری، گروه زبان شناسی، تهران: دانشگاه مدرس.
 ۹. جرجانی، علی بن محمد و ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۷۰). *التعریفات*. تهران: ناصر خسرو.
 ۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*.

- چ ۱، دمشق: دار العلم-الدار الشامیه.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. چهارجلدی، چ ۳، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲). مثل های آموزنده قرآن در تبیین پنجاه وهفت مثل قرآنی. چ ۱، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام.
۱۴. سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۵۷ تهران: کومش.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۱۶. صباحی گراغانی، حمید و حیدریان شهری، احمدرضا و محمدحسین زاده، عبدالرضا (۱۳۹۵). «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره». ادب و زبان فارسی، ۱۹ (۳۹).
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. یازده جلدی، چ ۲، لبنان-بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: سید رضی.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، سه جلدی، چ ۲، قم: نشر هجرت.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۱ق). بصائر ذوی التسمیة. قاهره:

- جمهوریه مصر العربی.
۲۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط. چهارجلدی، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چ ۲، قم: مؤسسه دار الهجره.
۲۴. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۸). نقش استعاره‌های مفهومی در تفکر دینی. قبسات، ۵۴.
۲۵. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۶). استعاره‌های مفهومی و فضاهاى قرآن. چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نذر. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۸۷). تفسیر قرطبی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۸. لیکاف، جورج، و جانسون، مارک (۱۳۹۷). استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم. ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، چ ۱، تهران: انتشارات آگاه.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن. چهارده جلدی، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مصطفی، ابراهیم (۱۹۸۹م). المعجم الوسیط. استانبول: دار الدعوه.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). تفسیر نمونه. چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۲. نصرتی، شعبان، و رکعی، محمد (۱۳۹۹). معاشناسی شناختی در کاربست متون وحیانی. قم: نشر معارف اهل بیت الطاهیرین علیهم‌السلام.

۳۳. واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۸۸). المعجم فی فقه لغة القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۴. هاوکس، ترنس (۱۳۷۷). استعاره. ج ۱، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

۳۵. هوشنگی، حسین، و سیفی (۱۳۸۸). استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان شناختی. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ۱ (۳)، تابستان.

36. Lakoff, George & Johnson, Mark (2003). *metaphors we live*. Chicago: University of Chicago Press.

37. Lakoff, George (1993). The contemporary theory of metaphor. In Geeraerts, Dirk (Ed.), (2006) *Cognitive linguistics: basic readings* (Cognitive linguistics research, 34), Mouton de Gruyter Berlin, New York, 185-238.